



نشم

شماره ۲۱۹
دهم دی ماه ۱۴۰۲

مدیر مسئول	فواد حسن زاده
سر دبیر	محمد حسین حبیبی
جانشین سردبیر	حنا نه جلال
صفحه آرا	الهه خطیبی
ویراستار	حمیدرضا رجبی
تیم	فاطمه سادات علوی، حمیدرضا رجبی، محمد مهدی اسکندری
تحریریه	



کلمات شهید مقاومت

محمد مهدی اسکندری

در جهان بینی اسلامی، انسان بامرگ از بین نمی رود و مرگ هرگز معدوم شدن نیست بلکه موت، کوچ کردن و رحلت و انتقال از عالمی به عالم دیگر است و وقتی این مرگ همراه با شهادت باشد، از آنجا که شهید عینیت حقیقی و تمثیل آرمان های جامعه است، حتما زنده تر و جاودانه تر خواهد بود. در این دید و جهان بینی، وصیت که در فرهنگ دینی ما مسلمانان از اهمیت والایی برخوردار است؛ معنی و مفهوم دیگری پیدا میکند؛ وصیت دارای «پیام» می شود. در این جهان بینی وصیت کننده که خود را دارای تجربه فراوان می یابد و راه برخورد با جریانات و مشکلات را به خوبی می داند، در معرض کوچ کردن و انتقال قرار گرفته است و دیگران نیز همین مسیر را باید طی کنند و مثل او از عقبات و کوران ها عبور نمایند، بنابراین لازم است او در این جهت نیز پیش قدم گردیده و توصیه های لازم را به عمل آورد.

بی شک آنچه که یک فرمانده نظامی چون سردار سلیمانی که سالیان سال در عرصه نبرد و جهاد تجربه کرده و الآن در وصیت نامه خویش که به مثابه یک «مرام نامه» برای سایرین است، بازگو و گوشزد می کند از اهمیت بالایی برخوردار است و مردمانی که شعار «همه ما سردار سلیمانی هستیم» سر می دهند نگاهشان به وصیت ایشان باید نگاه به مهمترین دغدغه ها و آرمان های این سردار شهید باشد.

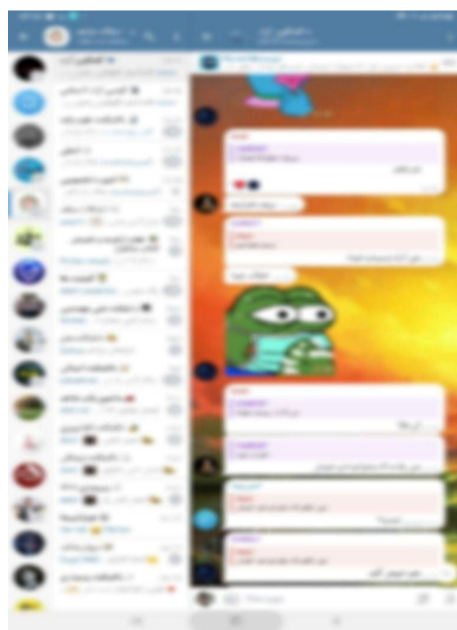
در ادامه بخشی از وصایای ایشان را می خوانیم:

«امروز قرارگاه حسین بن علی، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم ها می مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی ماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمدی (ص).

برادران و خواهرانم! جهان اسلام پیوسته نیازمند رهبری است؛

رهبری متصل به و منصوب شرعی و فقهی معصوم. خوب می دانید منزه ترین عالم دین که جهان را تکان داد، اسلام را احیا کرد، یعنی خمینی بزرگ و پاک ما، ولایت فقیه را تنها نسخه نجات بخش این امت قرار داد؛ لذا چه شما که به عنوان شیعه به آن اعتقاد دینی دارید و چه شما به عنوان سنی اعتقاد عقلی دارید، بدانید [باید] به دور از هرگونه اختلاف، برای نجات اسلام خیمه ولایت را رها نکنید. خیمه، خیمه رسول الله است. اساس دشمنی جهان با جمهوری اسلامی، آتش زدن و ویران کردن این خیمه است، دور آن بچرخید.

والله والله والله والله این خیمه اگر آسیب دید، بیت الله الحرام و مدینه حرم رسول الله و نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد باقی نمی ماند؛ قرآن آسیب می بیند.»



بحث های بی نتیجه دانشجویی

حمیدرضا رجبی

در گروه های دانشجویی، بحث و جدل های زیادی شکل می گیرند و تا آنجایی که من دنبال کرده ام؛ هیچکدامشان هم به نتیجه نمی رسند و بدون نتیجه گیری یا چیزی که نشانه ی پایان بحث باشد، رها میشوند. (البته اگر لفت دادن از گروه را در زمره ی نشانه های پایان بحث در نظر نگیریم.) اگر روی ریپلای ها پله پله بالا برویم و فاصله زمانی بین اولین و آخرین پیام بحث را بررسی کنیم؛ می بینیم برای این بحث بی نتیجه زمان های طولانی وقت گذاشته شده و انتهای آن هم با دلخوری و کدورت رها شدند. من گمان می کنم شما، بارها و بارها شاهد این بحث ها بودید.

شاید خودتان هم یک پای ثابت این بحث ها باشید. سوالی که از دیدن مکرر بحث اینچنینی به ذهنم خطور می کند این است که: این همه بحث برای چیست؟ از گذاشتن وقت، اینترنت و اعصاب خودمان به چه چیز می خواهیم برسیم؟ آیا صرفا به خاطر اینکه بحث کردن هیجان انگیزه؟ یا نه برای دفاع از نظرمان که در پیام قبلی طرف مقابل، حسابی به باد انتقاد گرفته شده بود؟

خیلی چیزها باعث میشود این بحث ها با وجود بی پایان بودنشان، شروع بشوند و ادامه پیدا کنند و تکرار شوند و همه مان را کلافه کنند تا جایی که وقتی حرف از بحث و گفت و گوی دانشجویی می زنیم، چیزی جز دعوای متنی بی نتیجه به ذهنمان نمی آید. خب چرا ما این همه با هم بحث می کنیم؟ بحث و جدل کردن در جوامع انسانی، چیز خیلی عادی است. از آنجا که ما انسان ها، موجوداتی اجتماعی هستیم و باید در جامعه سر موضوعات مختلف باهم به توافق برسیم، احتیاج داریم درباره ی اختلاف نظرهایمان با همدیگر گفت و گو کنیم و سعی کنیم فرد یا گروه مخالف را قانع کنیم؛ اگر این کار را نکنیم، کار به جایی میرسد که زندگی اجتماعی مان متلاشی میشود زیرا در دنیای امروزی نمیتوانی جدا از جامعه زندگی کنی.

به مجموعه گفت و گو ها و بحث هایی که یک سری ویژگی های خاص دارند و در جامعه ای تکرار میشوند، میگوییم گفتمان. مثلا وقتی میگوییم گفتمان سیاسی کشور، یعنی حول مسائل سیاسی کشور، چه جور گفت و گو هایی در جامعه شکل گرفته. ویژگی های یک گفتمان فقط مربوط به موضوعاتشان نیست، بلکه همه مشخصه ها مثل شیوه ی استدلال کردن ها، انواع استدلال ها، شیوه ی نگاه و برخورد دوطرف بحث با هم و خیلی مولفه های دیگر گفتمان ها را تشکیل می دهند. سطح گفتمان در کشور، میتواند یکی از شاخصه های توسعه یافتگی آن کشور در نظر گرفته شود.

سطح گفتمان به خیلی چیزها بستگی دارد، مثل سطح دغدغه و میزان توان افراد آن جامعه در متقاعد کردن همدیگر و جلوگیری از شکافهای اجتماعی. هر جامعه که بتواند مسائل تعیین کننده شرایطش را بهتر تشخیص بدهد؛ احتمالا جامعه موفق تری است.

چرا در بحث های این چنینی شکست می خوریم؟

شکست در توافق علت های زیادی دارد: یک. پیش فرض های متضاد و پافشاری روی آنها، شکست یک گفت و گو را از پیش تضمین می کنند. زیرا طرفین به هیچ وجه از پیش فرض هایشان کوتاه نمی آیند ولی لزومی هم نمی بینند که پیش فرض های همدیگر را پیدا کنند و نقص استدلالی آن پیش فرض ها را به هم نشان بدهند تا بعد آن بتوانند این پیش فرض را در معرض سنجش قرار بدهند.

دلیل دوم این است که در این بحث ها از پیش فرضهای مشترک برای بحث استفاده نمیکنیم. بدیهی است برای قانع کردن طرف مقابل، باید از نقطه ای شروع کنیم که درباره اش بحثی نداریم و هردو پذیرفته ایم. رعایت این نکته کمک میکند تا نسبت به دیدگاهمان حس همدلی طرف مقابل را برانگیزیم تا به ما اعتماد کند و استدلال های بعدی را که برپایه همان پیش فرض مشترک بود گوش کند.

گاهی هم اختلاف نظر و جدال بر سر یک موضوع، ناشی از تفاوت تجربه زیسته افراد است. معمولا انسان ها سعی میکنند، تجربه زیسته خودشان از یک موضوع را به طور کلی به همه ی زمانها و مکان ها و اشخاص تعمیم بدهند و این خطا است. برای رفع این خطا در گفت و گو باید به طرف بحث ثابت کرد که نظرش شخصی است و نمیتواند شامل همه برداشت ها باشد.

نکته های خیلی زیادی وجود دارد که رعایت کردنشان می تواند به بالا آمدن سطح گفت و گوها و در نتیجه اعتلای گفتمان های مختلف در کشور کمک کند که به دلیل ضیق کلمه نمیتوانم در این یادداشت به آنها اشاره کنم.

در جمع بندی باید بگویم که اولین چیزی که ما را برای برقراری گفت و گو های سودمند ترغیب می کند، این است که همان از این همه بحث های بی نتیجه خسته بشویم و به این نتیجه برسیم که گفت و گو کردن میدان مبارزه نیست که فقط یک پیروز داشته باشد؛ برعکس، میدان گفت و گو یا دو برنده دارد یا دو بازنده. آن چیزی که اهمیت دارد این است که بتوانیم فاصله ها را با کسانی که با ما هم نظر نیستند کم کنیم و سطح گفتمان در کشور را بالا ببریم.



اینکه در جامعه مدام بگویم او بی حجاب و این با حجاب است یا اصلاح طلب و اصول گراست، پس چه کسی می ماند؟ این ها همه مردم ما هستند. آیا همه بچه های شما متدین اند؟ آیا همه مثل هم هستند؟ نه. اما پدر، همه اینها را جذب می کند و جامعه هم خانواده شماست.

معرفی کتاب

از چیزی نمی ترسیدم شهید قاسم سلیمانی

کتاب « از چیزی نمی ترسیدم »، زندگینامه خود نوشت سردار سلیمانی است که توسط انتشارات مکتب حاج قاسم منتشر شده است. قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود.



این کتاب که شامل دست نوشته های شخصی شهید سلیمانی از دوران کودکی و زندگی در روستای قنات ملک کرمان تا میانه ی مبارزات انقلابی در سال ۵۷ است. کتاب از چیزی نمی ترسیدم، شرح زندگی مردی از دل روستایی دور افتاده در کرمان است که چند دوره از زندگی ساده اش را روایت کرده و نشان می دهد که چگونه از چوپانی به جایگاه بلندی رسید.

آنان که سردار سلیمانی را فقط با لباس نظامی دیدند خوب است ببینند که چگونه او پرورش یافته است. شرح رشادت ها و شجاعت های سردار سلیمانی بر کسی پوشیده نیست اما انتخاب نام کتاب در واقع برگرفته از داستانی است که اشاره به حادثه هتک حرمت یک مامور شهربانی در زمان شاه به یک دختر بی حجاب دارد.

مطالعه این کتاب را به کسانی که علاقه مند هستند درباره ی زندگی شخصی و کاری سردار قاسم سلیمانی اطلاعات بیشتری به دست آورند، پیشنهاد میکنیم.

و عصبانی کننده به کار می رود. فکر نمی کنم ۷۵ سال غارت و جنایت و اشغالگری برای به سر رسیدن صبرشان زمان کمی بوده باشد.

گفتمان در هیچ کجای تاریخ حاصلی جز اتلاف وقت و دور کردن تراز هدف نداشته و ندارد. گفتمان و سازش آن هم با شری چون اسرائیل حماقت محض است. برای آزادسازی فلسطین باید بازی های سیاسی ای را که بوی سازش میدهند کنار گذاشت. این را من نمی گویم؛ امام (ره) فرموده اند. صهیونیست ها بطور مستمر مرتکب سیاست های اعمال فشار، خشونت، خفقان، سلب آزادی ها و تصاحب زمین ها و خانه های مردم فلسطین می شدند و بارها و بارها فلسطینیان و سازمان های بین المللی به اسرائیل هشدار داده بودند که دست از سیاست های وحشیانه و زورگویانه بردارد. علاوه بر این درباره سیاست حمایت از گروه های افراطی و تندروی صهیونیست در مورد مسجدالاقصی و ارتکاب اهانت ها نسبت به مقدسات این محل هشدار داده شده بود و اخیرا تکرار کرده بودند که فلسطینی ها در برابر این اهانت ها ساکت نخواهند ماند و اینطور نیست که یک عده فکر می کنند تاکنون مشکلی نبوده و حماس یکدفعه و بی دلیل جرقه همچین جنگی را زده باشد. ۷۶ روز از نسل کشی بزرگ قرن در غزه می گذرد و تقریباً ۸۰ درصد غزه تخریب شده اما باز هم مقاومت پیروز است و اسرائیل مفتضحانه شکست خورده.

تمام مردم دنیا با واقعیت و ماهیت ذات پلید صهیونیست ها آشنا شده و همه مردم جهان یک صدا فریاد آزادی خواهی فلسطین را سر می دهند.

جهان قعر خوابی رفته بود و تکلیف بیدار کردن بشریت بر گردن مردم غزه نهاده شد غزه و مردمش شرف واژه ی مقاومت و روح کلمه ی مبارزه هستند و با تمام زخم و دردهایشان زنده مانده و نفس می کشند. دعا کنید و انجام وعده ی حق خداوند را انتظار بکشید...

که آنها هم اگر کوچکترین واکنشی نشان بدهد بمب می ریزند روی سرش ... سکوت میکنی؟ صبر میکنی؟ تا کجا توی سرت بزندی و حقت را بخورند دم نمیزی؟ اصلاً اوضاع غزه را میدانی؟ معروف شده است به بزرگترین زندان عمومی دنیا، متراکم ترین نقطه جمعیتی جهان است. یعنی در هر کیلومتر مربع اش شش هزار و صد نفر زندگی می کنند. هفتاد درصد ساکنانش از بخش های دیگر فلسطین به این منطقه آواره شده اند و در کمپ هایی که این روزها زیاد نامشان را شنیده ایم؛ مثل خان یونس، جبالیاء، رفح، النصیرات و... ساکن هستند. ساکنین غزه از سال ۲۰۰۸ تا الان در محاصره و تحریم اند. و این باعث شده بالاترین نرخ بیکاری در جهان را داشته باشند.

این بین و با وجود چنین شرایطی با رها و بارها درگیر جنگ و نسل کشی های متعدد بوده اند. از نسل کشی ۲۵ روزه و نبرد ۲۱ روزه در سال ۲۰۰۸ بگیر تا نبرد سیف القدس در سال ۲۰۲۱، آمار سازمان ملل می گوید از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۰، ۵۵۹۰ فلسطینی در بمباران های شدید و وحشیانه ی اسرائیل شهید شده اند و این درحالی است که در این مدت تنها ۲۵۱ اسرائیلی کشته شده اند. جنگ ها بماند، در حالت عادی هم نمی گذارند آب خوش از گلویشان پایین برود. شبانه درخت هایشان را از ریشه در می آورند، خبر داری ناوایی هایی را که آتش زده و می سوزانند، و روزانه چندین هزار قرص نان تولید می کنند.

میدانی تصفیه آب غزه را بمباران می کنند، و از همه وحشتناک تر پسماند های هسته ای شان را در زمین های کشاورزی فلسطینیان دفن می کنند! و آنها به عنوان یک فلسطینی محکوم به سکوت اند و اگر کوچکترین مخالفتی داشته باشند در خاک وطنشان کشته خواهند شد. در روانشناسی، اصطلاحی وجود دارد به نام «آستانه تحمل» برای نشان دادن بیشترین میزان صبر افراد در موقعیت های اضطراب آور



۲۲۸۷۴ قلب از دست رفته
فاطمه سادات علوی

بیست و دو هزار و هشتصد و هفتاد و چهار، عدد خارج شده از یک معادله درجه سه نیست. اصلاً بهتر است بگویم عدد نیست، رنگ دارد، سرخ است. عطر دارد، بوی خون می دهد.

رسیدن به ۲۲۸۷۴ نفر کشته یعنی پایان باز بیش از ۲۲ هزار داستان. یعنی هر ده دقیقه یکبار مادری کودکش را به خاک بسپارد. به وقت آزادی... یعنی عدد نیست آدمی... آمیزه ای از انزجار، اندوه و خشم. شاید آن خدا بیامر ز راست می گفت؛ « دنیای امروز، دنیای گفتمان هاست نه موشک ها »؛ اسرائیل که یک گوشه ای نشسته بود نان و ماستش را می خورد، حالا اگر مشکلاتی هم بود، طوفان چرا برادرم؟ صحبت می کردید حل می شد و این همه شهید و ویرانی نمی ماند روی دستانتان. از خودم می پرسم اگر فلسطینی بودی چه می کردی؟ هموطن هایت آواره شده اند. جایی که زندگی می کنید دولت دقیقی ندارد. برای یک بیرون رفتن ساده، برای دانشگاه و سرکار رفتن باید ساعتها پشت دیوارهای بازرسی علاف شوی. خانه آباء و اجدادی ات را بعد از سه نسل به زور تیر و تفنگ از تو می گیرند از تمام خاک و طنت یک نوار باریک مانده

از شما دعوت می شود!

نشریه تسنیم به عنوان یکی از با سابقه ترین نشریات دانشگاهی کشور همیشه سعی داشته تا صدای دانشجو باشد و کارنامه ای درخشان را ساخته و پرداخته است. دانشجویانی که در این سالها در تیم نشریه بودند همیشه بدور از محافظه کاری و منفعت طلبی عمل کردند. یک نشریه ی دانشگاهی از دل دانشجو شکل میگیرد و با دانشجوها پیش میرود

و حال ما در دوران دانشجویی مان میتوانیم دست به دست هم دهیم و با کمک یک دیگر، قوی تر از قبل مسیرهای روشنگری و گفتگو را پیش ببریم. از این رو نشریه تسنیم از شما دعوت میکند تا در بخشهای زیر به ما کمک کنید:

تیم تحریریه | طراحی | ویراستاری | مدیریت رسانه

برای ارتباط با ما به آیدی زیر در تلگرام پیام دهید:

@Tasnimshahed_Ad



نشریه تسنیم
را هر هفته بخوانید!